



Methodological Studding of Discovery of Wise People's Method in High Jurisprudence and Osoul Researches

_____ **Mohammad Aminfard¹*, Somayyeh Aghaie²** _____

1. Associate Professor, Department of Islamic Jurisprudence and law, Faculty of Theology and Islamic Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

2. MSc, Department of Islamic Jurisprudence and law, Faculty of Theology and Islamic Sciences, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran.

DOI: 10.22034/NRR.2021.41334.1024

URI: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_13603.html

Corresponding Author:

Mohammad Amin Fard

Email:

aminfard11@gmail.com

Received: 2021/08/25

Accepted: 2020/11/03

Available: 2021/12/10

Open Access



Keywords:

Discovery of wise people's method, Jurisprudence, Authenticity, The principles of jurisprudence (osoul), Research Method, Questionnaire, Methodological.

ABSTRACT

The wise people have a wide usage in jurisprudence, the principles of jurisprudence (osoul), and its role in deducing judgments is evident. If the structure of the wise people does not have the authority, the relations of humans and the order of their lives are disrupted and the differences expand. Especially when the Imam is absent, solving a lot of social issues and human relationships by relying on the construction of the wise people possible and causing them to get things done. For example, for authority haeazt, the principle of beaa, the rule of iodine, pride, the principle of accuracy, esteshab and authority of appearances and... Imam Khomaeni expresses: that the undoubted method from the beginning of human civilization is that ownership is through revive and heazat and the possession of property by means of the heazat of rational matters. Here is the discussion how the jurisprudents discover the Wise people. Nowadays, the authors discover the new research of the Wise people by using surveys such as scientific observation, questionnaire, and interview. This research has been addressed the quality of the discovery of Wise people by the great and modern social researchers. In the books of the primary jurisprudents have investigated how the rational method was discovered, as well as about these questions have been asked from contemporary jurisprudents, and the result is presented in the research. The great jurisprudents did not use modern methods of research such as surveys, questionnaire, interview, and did not deal with the statistical society, statistical sample and surveys from the wise men's community.



فصلنامه دین پژوهی و کارآمدی



بررسی روش شناختی چگونگی کشف سیره عقلاء در پژوهش های عالی فقه و اصول

محمد امین فردا*، سمیه آقایی^۲

۱. دانشیار گروه فقه، دانشکده الهیات و علوم اسلامی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.
۲. کارشناس ارشد، گروه فقه، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

DOI: 10.22034/NRR.2021.41334.1024

URI: https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_13603.html

چکیده

نویسنده مسئول:

محمد امین فرد

ایمیل:

aminfard11@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۹/۱۹



دسترسی آزاد

کلیدواژه‌ها:

کشف سیره عقلاء، حجیت، روش تحقیق، پرسشنامه، روش شناختی.

سیره عقلاء کاربرد گسترده‌ای در فقه، قواعد فقه و اصول فقه داشته و نقش آن در استنباط احکام امری بدیهی است. اگر بنای عقلاء حجیت نداشته باشد، روابط انسان‌ها و نظم زندگی آنها مختل شده و اختلافات گسترش پیدا می‌کند به خصوص زمانی که امام جامعه غایب باشد. حل بسیاری از مسائل اجتماعی و روابط انسانی با تکیه بر بنای عقلاء ممکن و باعث سروسامان گرفتن امور می‌شود. برای مثال برای حجیت حیات مباحات، اصل لزوم در بیع، قاعده ید، غرور، اصل صحت، استصحاب، حجیت ظواهر و ... به سیره عقلاء استناد می‌شود. برای نمونه در حیات مباحات گفته می‌شود: سیره مسلم عقلا از آغاز تمدن بشری این بوده است که مالکیت از طریق احیاء و حیات صورت می‌گیرد. حال بحث در این است که فقیه محترم نویسنده این جمله، چگونه این سیره عقلاء را (آنهم از آغاز تمدن بشری) کشف کرده است. امروزه محققان برای کشف نظرات و شیوه عمل گروه‌های خاصی از انسان‌ها، پس از تعیین جامعه و نمونه آماری، از روش‌های نوین نظرسنجی مانند مشاهده علمی، مصاحبه و پرسشنامه (و تحلیل‌های آماری) استفاده می‌کنند. با توجه به وحدت ملاک، برای کشف نظر، روش و سیره عقلاء نیز باید چنین شود. در این پژوهش به کیفیت کشف سیره عقلاء از سوی علمای معظم قدیم و معاصر پرداخته شده و بدین منظور کتب علمای قدیم از حیث چگونگی کشف سیره عقلاء بررسی شده و از برخی از علمای معاصر سوالاتی در این باره پرسیده شده و نتیجه آن در تحقیق ارائه شده است که علمای بزرگوار در کشف سیره عقلاء از روش‌های نوین تحقیق مانند نظرسنجی، پرسشنامه و مصاحبه استفاده نکردند و اصولاً با جامعه آماری، نمونه آماری و نظرسنجی از آحاد جامعه خردمندان، سروکار نداشته‌اند.

بیان مسأله

فقه علمی است که جنبه کاربردی احکام اسلام از سوی خدا و پیامبر را بیان و احکام خمس را به کل فعل‌های بشری تطبیق می‌کند. فقه جنبه دستوری داشته و برای خودش منابعی دارد که عبارتند از قرآن، سنت، عقل و اجماع. گاهی در برخی از مستندات فقهی و اصولی به سیره عقلاء یا سیره متشرعه و یا عرف استناد شده است که با کمی مسامحه هر سه را سیره عقلا می‌نامند. (هرچند به دقت عقلی تفاوت‌هایی دارند.) می‌توان از سیره عقلا به عنوان دلیل خامس برای اثبات حجیت برخی از مستندات نام برد. اصطلاح سیره عقلا در ادبیات اصولی و فقه امامیه جایگاه ویژه‌ای دارد.

سیره عقلا به معنای روش و شیوه مستمر عملی همه عقلای عالم بر انجام یا ترک عملی است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۴۹۵) عقلای عالم با اینکه در زمان‌ها و مکان‌های مختلف زندگی می‌کنند و دارای دین، مذهب و فرهنگ متفاوت می‌باشند، در مواردی بدون توافق قبلی، عملی یکسانی را به طور مستمر انجام می‌دهند؛ برای مثال، همه آنها ظواهر کلام را حجت دانسته و به آن تمسک می‌نمایند و یا همه عقلاء در چیزهایی که علم و تخصصی درباره آنها ندارند به خبره رجوع می‌کنند؛ چنان‌که مریض به طبیب و جاهل به عالم رجوع می‌کند. لازمه و پیش‌نیاز استناد به سیره عقلا برای اثبات یک امر اصولی یا فقهی اینست که ابتدا فقیه یا اصولی باید نظر یا سیره و عملکرد عقلا را بطور مستند و بدرستی کشف کرده و سپس استناد کند؛ زیرا مقدمات برهان باید یقینی باشد. امروزه در تحقیقات حوزه علوم اجتماعی یا علوم تربیتی، برای اطلاع و کشف نظر و شیوه عملکرد گروهی از انسان‌ها، از روش‌هایی نظیر پرسش‌نامه، مصاحبه و یا مشاهده استفاده می‌شود.

با وجود اینکه فقهای بزرگوار برای اثبات مستندات مختلف به طور گسترده به سیره عقلا استناد کردند، اما روشی را که برای چگونگی کشف و تحصیل موارد و مصادیق سیره عقلا به‌کار برده‌اند، بیان نکرده‌اند و از ظواهر امر چنین برمی‌آید که با جامعه و نمونه‌آماری سروکار نداشته و از روش‌های نظرسنجی نوین نیز استفاده نکرده‌اند. در نهایت می‌توان گفت روش فقهای بزرگوار در کشف سیره عقلا با روش محققان امروز در تحقیقات نوین همخوانی ندارد.

تذکر مهم: این پژوهش به دنبال تخطئه روش فقهاء محترم نبوده و همچنین تفاوت روش فقهاء با روش نویسندگان امروزی را الزاما به معنای غلط بودن روش اصولیان و فقها نمی‌داند و چون معمولا سیره عقلا در موارد خاصی از سوی همه یا اکثر فقها تایید شده به درصد بسیار زیادی محتمل است که کشف موردی و مصادیق سیره عقلا درست بوده است. ولی مطلب اینست که بنابه روش‌های نظرسنجی در تحقیقات میدانی امروزی، این احتمال قابل تایید و راستی آزمایی (ویا قابل رد و انکار) نیست.

حال مساله این است که: روش فقهاء در کشف سیره عقلا در مستندات مختلف فقه و اصولی چگونه است و فقهاء چطور به موارد و مصادیق سیره عقلا در تمام زمان‌ها و مکان‌ها پی می‌برند؟ به نظر می‌رسد روش فقهاء در این کشف، بدین‌سان بوده که بخاطر اینکه خاستگاه اجتماعی و فرهنگی قوی و خاصی داشته‌اند، ممکن است نتیجه مشاهده‌های خود و جمعی از مقلدان، شاگردان و اطرافیان خود را تعمیم داده و به عنوان سیره عقلا معرفی نموده‌اند. این پژوهش معتقد است که می‌توان (و بلکه بهتر است) روش نویسندگان امروزی را به کشف سیره عقلا در زمینه‌های مختلف تسری داد که این امر موجب موجب غنای تدریس و تحقیق حوزه فقه در مصداق‌یابی‌های اجتماعی و ایجاد برخی تحول‌ها در بستر فقه (در جاهایی که به عرف، سیره عقلا و سیره متشرعه استناد شده) می‌باشد.

این مقاله ابتدا سیره عقلا را باختصار تعریف کرده سپس بطور کوتاه روش تحقیقات میدانی امروزی در چگونگی کشف نظرات و روش‌های عملی افراد را بیان کرده و در انتها برخی کتب علمای قدیم را از حیث چگونگی کشف سیره عقلا بررسی و نظرات برخی از علمای معاصر را، در این زمینه، از خودشان سوال کرده و در نهایت تفاوت روش شناختی عملکرد حوزه فقه و اصول را با روش‌های تحقیق میدانی امروزی بیان نموده و نظر خود را در مورد روش بهتر و منتخب اعلام خواهد کرد.

۱. آشنایی مختصر با سیره عقلا

برای ورود به بحث، ابتدا سیره عقلا باختصار معرفی و برخی مباحث مرتبط با آن بیان می‌شود.

۱-۱. معنای لغوی و اصطلاحی سیره عقلا

سیره بر وزن فعله مصدر نوعی است یعنی کلمه‌ای که بر نوع انجام عمل و نوع فعل دلالت دارد. (لطفی، ۱۳۹۱: ۱۴۶/۲) سیره به معنای طریقه و روش است، مثلاً گفته می‌شود: فلانی در میان مردم بر روشی نیکو رفتار کرد. جمع آن سیر است و کلمه سیره به معنی هیأت و حالت نیز می‌باشد. (فیومی، بی‌تا، جلد ۲، ص ۲۹۹) سیره به معنای روش، طریقه، هیئت، حالت، عرف و عادت است، به عبارت دیگر سیره، یعنی چیزی که برخاسته از فطرت و عقل سلیم بوده، در میان مردم رواج پیدا کرده و مورد قبول عموم قرار گرفته است. (ملکی اصفهانی، ۱۳۹۰: ۲۷۵) واژه‌ی عقلا جمع لغت عاقل است، عاقل به معنای دانا، زیرک و خردمند است (عمید، ۱۳۹۱: ۵۴۴). عاقل کسی است که نفسش را از هوای نفس ننگه می‌دارد. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۱ / ۴۵۸) بنابراین عقلا به کسانی گفته می‌شود که کارهای خود را با به کار بستن عقل انجام می‌دهند و این صفت مخصوص انسان است و فقط انسانها هستند که در زندگی خود از نعمت عقل برخوردار بوده و از آن استفاده می‌کنند. نیروی عقل مختص افراد ویژه و خاص نیست و همه انسانها از آن برخوردار هستند و منظور اکثریت افراد جامعه که دارای رشد اجتماعی بوده و رفتارشان مطابق مصلحت می‌باشد. (علوی، ۱۳۸۳: ۱۸۴) نقطه مقابل عاقل در متون فقهی، دیوانه و سفیه است.

سیره عقلا عبارت است از راه و روش عملی همه دارندگان عقل اعم از مسلمانان و غیرمسلمانان و این سیره را در اصطلاح بنای عقلا می‌نامند. (شیروانی، بی‌تا: ۲/ ۱۷۴) یا عبارت است از تکرار و استمرار عمل عقلا در امری از آن جهت که عاقلند خواه بر سنت و آیین واحدی باشند، یا از آیین مشترکی پیروی نکنند. (نایینی، ۱۴۰۴: ۳/ ۱۹۳-۱۹۲) مثلا احترام به سالمندان، کودکان، کمک به مستمندان و نیازمندان از سوی همه انسان‌ها را می‌توان از مصادیق بارز سیره عقلا دانست.

سیره عقلا منحصر در رفتار عینی و ملموس نیست بلکه شامل مرتکرات ذهنی عقلایی نیز می‌گردد، اگرچه به سبب تحقق موضوع هنوز طبق آن رفتاری عینی انجام نشده باشد، پس این عنوان جامع بحث ایستارها و مواضع عقلایی است چه در رفتار عینی متجلی شده باشد و چه همچنان در ذهن مستقر بوده باشد. (نایینی، پیشین: ۳/ ۲۴۸؛ ونیز صدر، بی‌تا: ۴/ ۲۳۴)

۲-۱. مصادیق استناد به سیره عقلا در فقه و اصول

علماء در منابع فقهی و اصولی به طور گسترده به سیره عقلا استناد کرده‌اند؛ برای مثال یکی از دلایل مهم بر حجیت قاعده اقرار، سیره عقلا می‌باشد. عقلای عالم هر قومی در هر زمانی بدون در نظر گرفتن سطح فرهنگ، تمدن، دین و مذهب فکری خود، بر این عقیده‌اند که اقرار هر شخص عاقل قاصد مختاری بر زیان خودش نافذ و الزام‌آور است و اقرار او پذیرفته شده و مطابق آن، بر اقرار کننده حکم صادر می‌شود. (نراقی، ۱۴۲۵: ۱۷۱؛ مراغی حسینی، ۱۴۱۷: ۳۳۰) آقایان موسوی بجنوردی و محقق داماد، مهم‌ترین دلیل بر اعتبار اصل صحت را بنای عقلاء می‌دانند. روش عقلاء در همه زمان‌ها و مکان‌ها و تمام جوامع این است که اعمال دیگران را تا زمانی که خلاف آن ثابت شود حمل بر صحت می‌کنند شارع مقدس این روش را مورد تایید قرار داده است. (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷ش: ۲۳۹؛ محقق داماد، ۱۳۸۷: ۱/ ۲۰۰) محکم‌ترین دلیل بر حجیت بینه، سیره عقلا است. به این معنا که شهادت دو نفر غیر متهم به کذب و غیرمغرض نسبت به مشهود الیه پذیرفته می‌شود و این سیره نه تنها مورد ردع شارع قرار نگرفته بلکه شارع آن را امضاء نموده است. (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳: ۴۷۲؛ بجنوردی، پیشین، ۳/ ۲۱) سیره عقلاء و متدینین قائل به صحت اجاره در املاک مشترکه یا مشاع هستند. (موسوی بجنوردی، پیشین: ۲۸) از ادله‌ای که بر اصل لزوم در معاملات به آن استدلال می‌شود، بنای عقلا است که مورد امضاء شارع است، یعنی روش عقلاء چنین است که اگر عهد، پیمان و عقدی ببندند باید به آن عمل کنند و یکی از طرفین به تنهایی حق فسخ آن را نخواهد داشت، برخلاف عقود جایز که الزامی نبوده و طرفین ملزم به پایبندی به آن نیستند. (مکارم، ۱۳۸۷ش: ۴/ ۲۳۲؛ مشایخی، ۱۳۹۳: ۱۶۸؛ آخوند خراسانی، پیشین: ۵۹۵). در بیان ادله جواز تقلید و حجیت قول فقیه برای عامه مردم، به سیره عقلا استناد شده است: همه عقلای عالم، از تمام اقوام و نژادها و پیروان همه ادیان و مذاهب، به طور فطری و عقلانی مراجعه جاهل به عالم و تقلید از او را می‌پذیرند و این مساله قابل انکار نیست.

(خراسانی، پیشین، ص. ۴۷۲؛ امام خمینی، ۱۴۲۶ق، جلد ۱، ص. ۶۳ و ۸۳؛ همان، ۱۳۸۲ش، جلد ۳، ص. ۱۷۶؛ فیض، پیشین، ص. ۲۰۳) از دلایل اعتبار قاعده غرور سیره عقلا می باشد. عقلای عالم بر این نظر هستند که ضرر و زیان شخص فریب خورده از طرف غار (کسی که او را فریب داده است) پرداخت شود و اگر شخصی مال دیگری را به شخص دیگر ببخشد و در کار خود تدلیس کند ضامن است و باید ضرر را جبران کند. شارع مقدس نیز این روش عقلا را مذمت نکرده آن را قبول دارد. (مشایخی، پیشین، ص. ۱۲۱-۱۲۰) در کنار آیات و روایات، بنای عقلای عالم نیز بر حجیت قاعده اتلاف دلالت دارد. به این معنا که نظر عقلای عالم در هر زمان و مکانی این است که هرگاه کسی مال دیگری یا منافع دیگری را تلف بکند، ضامن است و باید غرامت آن را بپردازد. (علامه حلی، ۱۴۱۴ق: جلد ۲، ص. ۳۷۹، الاصفهانی، ۱۴۱۹ق: جلد ۱، ص. ۴۲۶) در مورد قاعده ید، نظر عقلای عالم این است که هرکس هرچه در تصرف دارد ظاهراً مالک آن می باشد. از اینرو عقلا هر چه را در دست دیگران مشاهده کنند صاحب ید را سزاوارتر از دیگران در تصرف آن مال می دانند و عقلای عالم در هر عصر و زمانی و از هر قوم و ملتی این نکته را قبول دارند و اگر امری مورد پذیرش جمیع عقلا در تمامی اقوام و ملل بوده باشد چون شارع یکی از عقلا و در رأس آنان قرار دارد آن امر را تنفیذ و تجویز می کند. این امر از دلایل حجیت ید است. (بجنوردی، پیشین، جلد ۱، ص. ۳۳؛ امام خمینی، ۱۳۸۵: جلد ۱، ص. ۱۸۷؛ مکارم شیرازی، پیشین، جلد ۱، ص. ۲۷۹) مهمترین دلیل بر حجیت قاعده ضمان ید، بنای عقلا می باشد. به این معنا که خردمندان عالم بر این عقیده اند که اگر شخصی مال دیگری را تصرف کند در مقابل مالک مال مسئول است و شخص را ملزم به رد کردن عین مال، زمانی که مال موجود باشد می دانند و اگر خسارت یا تلف مال واقع شود مسئولیت مدنی را متوجه او می دانند. (محقق داماد، پیشین، ص. ۷۵-۷۶)

در منابع متقدم اصولی، موارد معدودی از استناد به بنای عقلا می توان یافت: به عنوان نمونه شیخ طوسی برای اثبات دلالت امر بر وجوب به بنای عقلا استناد کرده است. (طوسی، ۱۴۱۷ق: صص. ۱۷۲، ۱۷۳ و ۴۵۰) اما در منابع اصول فقه شیعه، در بین متاخرین از جمله میرازی قمی، شیخ انصاری، آخوند خراسانی، علامه مظفر، شهید صدر و ... استناد به سیره عقلا بیشتر شده است. میرازی قمی در عمل به خبر واحد، حجیت ظواهر، نقل به معنا و استصحاب نیز به بنای عقلا استناد کرده است. (میرازی قمی، ۱۳۷۸: جلد ۲، ص. ۵۷) محمدحسین اصفهانی، مولف الفصول الغرویه فی الأصول الفقہیة، در مبحث دلالت امر بر وجوب به بنای عقلا تمسک کرده است (الحائری الاصفهانی، ۱۴۰۴ق: ص. ۶۷ و ۲۷۱) شیخ انصاری در موارد متعدد از جمله حجیت ظواهر، حجیت خبر واحد، وجوب دفع ضرر و ظنون، ترجیح امتثال علم اجمالی بر ظن تفصیلی، عدم وجوب احتیاط در برخی اقسام شبهات وجوبی، قبح عقاب بدون بیان، وجوب تعلم و نیز وجوب تفحص برای احکام بدان استناد کرده است. (انصاری، ۱۴۱۹ق، صص. ۶۷، ۶۸، ۷۴، ۱۶۳، ۱۷۵، ۲۰۲، ۳۳۴، ۳۳۵، ۴۶۰، ۵۱۴، ۵۲۶)

همچنین آخوند خراسانی در برخی از مباحث یاد شده به بنای عقلا استدلال کرده است (آخوند خراسانی، پیشین، صص. ۵۸ و ۹۸). علامه مظفر و محمدباقر صدر به تفصیل و با عنوان مستقل در آثار مختلف اصولی خود به سیره عقلا استدلال کرده‌اند. (مظفر، پیشین، جلد ۲، صص. ۱۵۳-۱۵۵، صدر، پیشین، صص. ۱۴۱-۱۴۳؛ و نیز الحلقه الثانیه، صص. ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۷۵، ۱۸۶، الحلقه الثالثه، جلد ۴، صص. ۱۸۴-۱۹۳)

۱-۳. ارکان اصلی سیره عقلا

سیره عقلا چند رکن اصلی دارد:

- ۱- عمومیت یکی از ارکان سیره عقلاست. به این معنا که اگر هر عاقلی در آن شرایط قرار بگیرد، به همین نحو عمل می‌کند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰: ص. ۳۶)
- ۲- استناد به عقل از دیگر ارکان سیره عقلاست. سیره چه ناشی از فطرت باشد و چه برای حفظ مصالح و منافع یا تسهیل امور در زندگی اجتماعی به وجود آمده باشد در نهایت متکی و مستند به عقل است و صرفاً خاستگاهی عقلانی دارد و تنها آنچه از عقلا به جهت عاقل بودنشان صادر می‌شود، مصداقی از بنای محسوب می‌گردد.
- ۳- از ارکان سیره عقلا می‌توان به فقدان رویه مخالف با آن اشاره نمود. به این معنا که روش‌های جاری در جامعه در صورتی سیره عقلا به حساب می‌آیند که هیچ رویه عقلایی مخالف با آن وجود نداشته باشد، پس برخی از عرف‌های جاری در جامعه مانند قماربازی، همجنس‌گرایی، شرب خمر سیره عقلایی محسوب نمی‌شود، چرا که بسیاری از عقلا همان جامعه با این سیره‌ها مخالف کرده و راه دیگری را می‌پیماند. (جهانخواه، ۱۳۹۰: ص. ۱۸۶)
- ۴- یکی از ارکان اصلی و مهم سیره عقلا عدم اختصاص آن به قوم، دین، نژاد و مذهب خاصی است؛ زیرا کلمه عقلاء مطلق است که شامل همه‌ی عقلا جامعه می‌شود و مختص افراد و گروه‌های خاص نیست و شامل همه کسانی می‌شود که دارای رشد معمول و اجتماعی هستند و عملشان را مطابق عقل و رعایت مصلحت زندگی انجام می‌دهند. روش سیره آن است که همه یا بیشتر مردم با اختلافشان در زمان و مکان محل زندگی آن را پذیرفته باشد و بسیاری از رفتارهای عمومی جامعه در این قسم سر و سامان می‌گیرد.

۱-۴. تفاوت سیره عقلا با برخی مفاهیم نزدیک به آن

برای آشنایی بهتر با سیره عقلا، ارتباط و احیاناً تفاوت‌های آن با دلیل عقلی، عرف و سیره متشرعه باختصار بیان می‌شود.

۱-۴-۱. تفاوت سیره عقلا با دلیل عقلی

برخی از علما مراد از حکم عقل عملی به حسن و قبح را صرفاً توافق و تطابق آرای عقلا نسبت به آن، به منظور حفظ نظام زندگی بشر دانسته و حکم مزبور را در شمار قضایای مشهوره یا آرای محموده قرار داده، طبق این نظر مفهوم دلیل عقل، بویژه عقل عملی و بنای عقلا بسیار به هم نزدیک است. این گروه از علماء حکم عقل عملی را

نوعی بنای عقلایی شمرده و چه بسا یکسان بودن آن دو استفاده شود. (اصفهانی، پیشین، جلد ۲، ص. ۳۱۶) علامه مظفر این نظریه را می‌پذیرد. (مظفر، پیشین، جلد ۱، ص. ۹۱) سپس میان آن دو تفکیک قائل شده است. (همان، جلد ۲، ص. ۲۰۷-۲۰۶؛ صدر، پیشین، جلد ۱، ص. ۴۲۹-۴۲۶، حکیم، پیشین: ص. ۱۹۸)

شیخ انصاری بنای عقلا را در زمرة ادلة عقلی ذکر کرده است و به تبع او برخی اصولیان گاهی بنای عقلا را نوعی اجماع عملی خوانده‌اند. (آخوند خراسانی، پیشین، جلد ۲، ص. ۹۸) اما اکثر اصولیون میان سیره عقلا با دلیل عقل تفاوت قائل شده و معتقدند که دلیل عقلی مستند به شناخت مصالح و مفاسد در موضوع حکم عقل است، در حالی که بنای عقلایی ممکن است مستند به چیزی نباشد. دلیل عقل استتاجی عقلی است ولی بنای عقلا اسمی برای عملکرد عقلاست. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: جلد ۲، ص. ۶۲؛ حکیم، پیشین، جلد ۱: ص. ۲۹۸)

۱-۴-۲. رابطه‌ی سیره عقلا و عرف

در فقه شیعه عرف و عادت از یک سو نقشی مهم در استنباط حکم شرعی داشته و از سوی دیگر در تشخیص موضوعات و تطبیق احکام بر مصادیق، نقش اساسی دارد. همچنین عرف در رفع ابهام موجود در معاملات و نیز حل دعاوی مؤثر است. به نظر نویسندگان و فقهای امامیه، میان سیره عقلا و عرف تباین مفهومی وجود ندارد و حتی برخی سیره عقلا را همان عرف صحیح دانسته‌اند. برخی بنای عقلا را عرف عملی و برخی دیگر عرف عقلا را همان عرف عام می‌دانند. (ابوزهره، ۲۰۱۵: ص. ۲۶۱-۲۶۲؛ محمصانی، بی‌تا، ص. ۲۶۴-۲۶۶؛ سبحانی، پیشین، جلد ۲، ص. ۶۵-۷۰؛ فیض، پیشین، ص. ۲۲۴-۲۲۰؛ ولایی، پیشین، ص. ۲۴۵-۲۴۶؛ کاظمی خراسانی، بی‌تا، جلد ۳، ص. ۱۹۲، مظفر، پیشین، جلد ۲، ص. ۱۵۳).

برخی دیگر از علما تفاوت‌هایی میان آن دو قائل شده و گفته‌اند: بنای عقلا می‌تواند غیرارادی و برخاسته از فطرت ناخودآگاه باشد در حالی که عرف همواره ارادی و ناشی از اختیار است. بنای عقلا باید عملی نیکو و ممدوح باشد و این شرط معروف و نیکو بودن در عرف لزوم ندارد. سیره عقلاء برخلاف عرف بر پایه تکرار و استمرار است. (جعفری لنگرودی، پیشین، جلد ۲، ص. ۵۹-۶۱؛ أحمدالزرقا، ۲۰۱۵: جلد ۲، ص. ۷۴۳-۷۴۴) در مجموع می‌توان گفت که در منابع فقهی و اصولی شیعه کاربرد واژه عرف یا عادت در معنایی نزدیک به مفهوم بنای عقلا، بسیار رایج است.

۱-۴-۳. تفاوت سیره عقلا با سیره متشرعه

در سیره متشرعه جنبه متشرعه بودن اهل سیره لحاظ می‌شود و نتیجه‌اش آن است که می‌گوییم اهل شرع عمل را از جانب شارع اخذ کرده‌اند؛ یعنی دستور شارع سبب پدید آمدن این رفتار متشرعه بوده است. پس سیره مسبب است و بیان شارع سبب و کشف سیره از بیان شارع از نوع کشف مسبب از سبب است که آن را کشف انی خوانند. اما در سیره عقلا طبع و طبیعت عقلا به حال خود باقی است و شارع جلوی آن را نمی‌گیرد، مستقیماً از بیان شارع

کشف نشده و به طور کلی شارع در به وجود آمدن آن نقشی نداشته و همه مردم را در بر می‌گیرد، نه گروه خاص با دین و مذهب مشترک در حالی که در سیره متشرعه دین و مذهب لحاظ می‌شود. در سیره متشرعه لازم است که حتماً باید در زمان معصوم (ع) وجود داشته باشد ولی در سیره عقلا هم زمانی با عصر معصوم (ع) لازم نیست و ممکن است متاخر از زمان معصوم (ع) باشد هم زمانی ارتکاز عقلائی با معصوم (ع) کفایت می‌کند. (صدر، پیشین، جلد ۴، ص ۱۴۲؛ مظفر، پیشین، جلد ۲، ص ۱۷۴)

۵-۱. اقسام سیره عقلا

سیره عقلا از حیث دلالت و کاربرد انواعی دارد: ۱. گاهی سیره عقلا موضوع حکم شرعی را تبیین می‌نماید. ۲. گاهی سیره عقلا ظهور الفاظ را منقح و روشن نموده و در کشف مراد متکلم، چه شارع و چه غیر آن، دخالت می‌نماید. ۳. گاهی سیره عقلا سبب استنباط حکم شرعی می‌گردد و آن در جایی است که در مسئله، نصی وجود نداشته باشد. (طباطبایی حکیم، پیشین، ص ۱۹۸-۱۹۷؛ مهریزی، ۱۳۷۶، ص ۳۰؛ صدر، پیشین، جلد ۲، ص ۱۲۷؛ صدر، بی تا، ص ۱۶۸؛ فیض، پیشین، ص ۲۰۷-۲۰۳؛ محمدی، پیشین، ص ۳۲۷)

سیره‌های عقلا از حیث امضای شارع مقدس بر سه دسته تقسیم می‌شود: ۱. سیره‌های مردوعه: یعنی روش‌های عملیه‌ای که عقلای عالم در امور زندگی خود دارند، ولی شارع مقدس آن سیره را ردع و ابطال نموده و بیرون خویش را از اتباع آن سیره و اخذ به آن منع فرموده و طریقه اختراعی و جدید خودش را به آنان ارائه فرموده، مثلاً عقلای عالم در موارد زیادی بر اساس قیاس عمل می‌کنند اما شرع مقدس از عمل به آن منع نموده و بیش از پنجاه روایت در رابطه با بطلان عمل به قیاس وارد شده، مانند نهی از اخذ به خبر واحد در برخی موارد، ولو شخص راوی عادل باشد مثل باب شهادت، به عنوان مثال اخبار بر زنا که باید قول چهار نفر باشد و یا مثل باب حقوق و دعاوی که باید شهادت عدلین باشد و عدل واحد کافی نیست. ۲. سیره‌های ممضاة: یعنی سیره‌هایی که شرع مقدس مستقیماً آنها را امضاء فرموده و بر روی آنها صحه گذاشته اگرچه قیودی و محدودیت‌هایی در آنها جعل نموده نظیر معاملات که شارع بیع را حلال قرار داده، یعنی امضاء نموده که این احکام، امضایی‌اند. ۳. سیره‌های غیرمردوعه: یعنی سیره‌هایی که مستقیماً از سوی شارع مقدس نه ردع شده و نه امضا شده، نظیر اخذ به خبر ثقه و اخذ به ظواهر. (محمدی، پیشین، جلد ۳، ص ۱۵۱؛ امام خمینی، پیشین، جلد ۲، ص ۱۳۰؛ علی‌البحرانی، ۱۴۲۶ق، ص ۶۴۱-۶۴۰؛ جناتی، پیشین، ص ۴۴)

حال از این اقسام سه‌گانه، قسم اول بالاجماع از درجه اعتبار ساقط است و برای استنباط احکام شرعیه به آن استناد نمی‌شود و قسم دوم قطعاً معتبر است، ولی قسم سوم محل نزاع است. جمع قلیلی مدعی شده‌اند که مجرد عدم الردع کافی نیست، ولی مشهور علماء این نظر را دارند که این قسم هم مانند قسم دوم حجت است و ما از عدم ردع شارع امضای شارع را کشف می‌کنیم.

۶-۱. حجیت سیره عقلاء

حجیت سیره عقلاء به معنای صحت استناد و احتجاج به سیره عقلاء در میان عقلاء است. سیره عقلاء به خودی خود قابلیت برای حجیت را ندارد، بلکه سیره نیاز به امضاء شارع دارد. به نظر صدر امضای مصداقی از بنای عقلاء صرفاً تأیید یک عمل خارجی نیست، بلکه دال بر امضای آن نکته ارتکازی و عقلایی است که سلوک از آن ناشی شده است. به بیان دیگر، امضای بنای عقلایی در واقع به معنای امضای ملاک و طبیعت عقلایی آن است نه صرفاً پذیرش یک سلوک خارجی. بر این اساس، برای مثال می توان گفت که هرگاه حیازت مباحات با وسایل و ابزار ابتدایی که از موارد بنای عقلاست مقبول شارع باشد، حیازت با وسایل پیشرفته امروزی نیز مورد پذیرش اوست. بدین ترتیب، صحت بسیاری از معاملات جدید، که ملاک عقلایی آنها در زمان شارع هم وجود داشته، قابل اثبات است. (هاشمی، پیشین، جلد ۴، ص. ۲۴۶؛ صدر، پیشین، ص. ۱۶۰)

به نظر مشهور اصولیان برای حجّت بودن بنای عقلاء، اثبات امضاء و تأیید صریح و خاص شارع ضروری نیست، بلکه صرف عدم منع (ردع) شارع از یک سیره عقلایی، بیانگر رضایت و امضای شارع نسبت بدان سیره است. برخی فقها، با توجه به روش استدلال مشهور برای حجیت بنای عقلاء، که آن را به سبب عدم منع شارع، حجّت و دلیل می دانند، آن را جزو «تقریر معصوم» که شاخه‌ای از سنت است، به شمار آورده‌اند. (انصاری، ۱۴۱۹، ص. ۱۶۴؛ آخوندخراسانی، ۱۴۰۹، جلد ۲، ص. ۹۸-۹۹؛ بروجردی، ۱۴۰۹، جلد ۳، ص. ۱۳۸؛ اصفهانی، محمدحسین، پیشین، جلد ۳، ص. ۲۴۹؛ حکیم، ۱۴۱۳، جلد ۴، ص. ۲۹۸؛ صدر، پیشین، ص. ۱۶۰، جلد ۱، ص. ۱۸۴-۱۸۶؛ مغنیه، بی تا، ص. ۳۵۷)

علامه مظفر به تبعیت استاد خود اصفهانی، بر آن است که اگر شارع با عقلاء هم مسلک باشد، از آنجا که وی از عقلاء، بلکه رئیس عقلاست، برای حجیت بنای عقلایی، صرف عدم ثبوت مخالفت کافی است؛ زیرا اگر شارع منع کرده بود مکلف از آن آگاه می شد. (المظفر، محمدرضا، پیشین، ص. ۱۲۶-۱۲۷؛ اصفهانی، ۱۴۰۴، جلد ۳، ص. ۱۷۹-۱۸۴) شهید صدر بر این استدلال خرده گرفته که منشأ بنای عقلاء همیشه امر فطری و عقلانی نیست تا شارع همیشه با عقلاء هم مسلک باشد، بلکه گاه ممکن است ناشی از عواملی غیر عقلی باشد. به علاوه ممکن است شارع برای اتخاذ طریقی عقلانی تر از روش عقلاء با بنای عقلاء مخالفت کرده باشد. عدم ثبوت مخالفت را در صورتی دلیل حجیت بنای عقلاء می شمارد که بنای مزبور ناشی از مرتکبات فطری^۱ عقلاء باشد. (صدر، پیشین، ص. ۱۶۲؛ هاشمی، پیشین، جلد ۴، ص. ۲۴۵؛ طباطبائی حکیم، پیشین، جلد ۳، ص. ۲۷۵-۲۷۶)

۱. معنای ارتکاز در سیره عقلاء: ارتکاز، امر مذکور در ذهن و مفاهیمی هستند که معمولاً در اذهان عمومی و عرف عام بدون توجه و نظر و استدلال وجود دارند و مردم طبق آن ارتکاز رفتار می کنند یا عبارت است از ذهنیت رایج میان عموم مردم پیرامون چیزی معین، در برابر سیره عملی یعنی رفتار و تصرفات خارجی مردم مربوط است (فیض، ۱۳۷۹ ص ۲۳۶؛ حکیم، ۱۴۱۴، جلد ۳، ص ۲۵۳-۲۵۴). یا چیزهای را در عقل و ذهن عقلاء تمرکز و استمرار یافته، اگرچه

۷-۱. جایگاه سیره و بناء عقلاء در میان ادله استنباط احکام

سیره عقلا کاربرد گسترده‌ای در فقه، قواعد فقه، اصول فقه و حقوق دارد و نقش آن در استنباط احکام امری واضح و بدیهی است. هرچند در واقع، اجماع و بنای عقلا، رجوع به سنت دارند اما در ظاهر به دو دلیل جایگاه بناء عقلاء بعد از اجماع است، اول: اگر بین اجماع و بناء عقلا تعارض واقع شود، قطعاً همه فقها اجماع را بر آن مقدم می‌دارند. بنابراین نمی‌شود آن را زیرمجموعه‌ی سنت قرار داد. اجماع دلیل مستقل است و نیاز به امر زائد، حجیت ندارد برخلاف آن برای حجیت سیره عقلا، باید شارع منعی انجام نداده باشد. دوم: در کتاب‌های اصولی و فقهی، علماء متأخر در ادله‌ای که مثلاً برای قواعد اصولی مثل خبر واحد می‌آورند، بناء عقلا را بعد از اجماع مطرح می‌کنند. بنابراین ترتیب ادله استنباط احکام اینگونه است: اول: کتاب، دوم: سنت، سوم: اجماع، چهارم: عقل، پنجم: بناء عقلاء. بنای عقلاء همانند اجماع، دلیل لبی است نه لفظی، بنابراین نمی‌توان از آن اطلاق‌گیری نمود. (اسدی، بی‌تا، ص ۱۲۲)

۲. روش تحقیق و اقسام آن

روش به معنی در پیش گرفتن راهی یا معین کردن مراحل است که برای رسیدن به هدفی می‌باید با نظمی خاص آنها را دنبال کرد. ماهیت این مراحل بستگی به هدف مطلوب و نحوه رسیدن به آن دارد. بنابراین روش علمی بسته به اینکه هدف از علم، تسلط بر طبیعت باشد یا کشف حقیقت با یکدیگر تفاوت دارد (علی‌احمدی، ۱۳۸۷: صص ۶-۷) یا روش تحقیق به معنای کلیه وسایل، ابزارها و مجموعه مراحل است که برای جمع‌آوری اطلاعات و بررسی کیفیت آنها جهت وصول به یک هدف انتخاب شود یا روش همان خط مشی برای جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل اطلاعات است. (همان، صص ۷-۸) ماهیت یک تحقیق بستگی به روش انجام گرفته در آن تحقیق دارد، این روش متأثر از پارادیم‌ها و استراتژی‌های تحقیق هستند که رویکرد آن را مشخص می‌کند. رویکردها و روش‌های متناظر برای انجام تحقیق، بایستی متناسب با پارادیم‌ها و استراتژی‌های تحقیق تبیین شود. (همان، صص ۲۹) تحقیق‌ها می‌توانند به کتابخانه‌ای، میدانی و کارگاهی یا آزمایشگاهی تقسیم شوند. روش میدانی، اصطلاحاً به روش‌هایی اطلاق می‌شود که پژوهشگر برای گردآوری مطالب و اطلاعات ناگزیر است به محیط بیرون برود و با مراجعه به افراد یا محیط و نیز برقراری ارتباط مستقیم با واحد تحلیل یا افراد، اعم از انسان، موسسات، سکونتگاه‌ها و ... اطلاعات مورد نظر خود را گردآوری کند.

در تحقیقات میدانی محققان قبل از هر چیز، رویکرد تحقیق را مشخص نموده و سعی می‌کنند فرضیه‌های تحقیق را با استفاده از روش کتابخانه‌ای تبیین و سپس معمولاً با یکی از روش‌های نظرسنجی مانند مشاهده،

فعلاً سلوک خارجی بر طبق آن مرتکز عقلی وجود نداشته باشد به خاطر آن موضوع آن که هنوز موضوع آن تحقق نیافته است. (هاشمی، ۱۴۰۵، جلد ۴،

ص ۲۳۴)

مصاحبه و پرسشنامه اطلاعات لازم را جمع آوری و آن‌ها را به وسیله روش آماری خاصی تحلیل و در نهایت فرضیه خود را در بوته آزمایش قرار می‌دهند. (امین فرد، ۱۳۸۴، ص. ۹۳؛ ونیز صبری، ۱۳۸۸، صص. ۳۹-۳۷؛ ونیز علی‌احمدی، پیشین، ص. ۴۳) پژوهشگر با توجه به معیار وسعت پژوهش^۲، جامعه آماری را به خوبی تعریف کرده و محدوده آن و تعداد افراد این جامعه آماری را معین می‌کند هرگاه جامعه واقعی مورد تحقیق بسیار بزرگ بوده و امکان استقراء تام و یقین‌آور ناممکن باشد محدوده این جامعه آماری حتی‌الامکان به طور واقعی در مقیاس خاصی کوچک شده و آن‌را جامعه آماری می‌نامند و اگر این نمونه‌گیری صحیح و علمی انجام نشود و ویژگی‌های جامعه اصلی را نداشته باشد، منجر به نظرسازی می‌شود. (همان، ص. ۱۰۰)

یکی از اشکالاتی که برای نظرسنجی بیان می‌شود، اینست که می‌گویند اینگونه نظرسنجی‌ها استقراء ناقص است و بی‌اعتبار. در پاسخ باید گفت: استقراء ناقص یعنی تحصیل حال عده‌ای یا اغلب افراد جامعه مورد نظر. به بیان ساده‌تر، بجای بررسی تمامی افراد مورد نظر، بخشی از افراد، مطالعه شده و نتیجه را به همه تعمیم داده شود. این نوع استقراء مفید ظن است. استقراء ناقص موجب یقین به صحت قاعده کلی نمی‌شود و درجه حجیت، استقراء مزبور بسته به مقدماتی است که قاعده کلی بوسیله آن استنتاج شده است، بدین معنی که هر چه عده قضایای جزئی که مبنای استنتاج قرار گرفته بیشتر باشد، اهمیت قاعده کلی بیشتر خواهد بود. علامه مظفر پس از تقسیم استقراء ناقص بر چهار قسم، می‌فرماید: اینطور نیست که استقراء ناقص همیشه مفید یقین نباشد. فقط آن استقرایی که مبتنی بر صرف مشاهده بوده، حجت نیست و بقیه استقراءها که مشاهده مبتنی بر کشف علت، یا مبتنی بر بداهت انکارناپذیر عقلی یا مبتنی بر تماثل و تشابه کامل میان جزئیات هستند یقین آور بوده و حجتند. (مظفر، بی‌تا، جلد ۳، ص. ۲۹۸)

یک مثال برای تحقیقات میدانی: برای مثال خانم آسیه سپهری دانش آموخته‌ی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان در فصل سوم پایان‌نامه‌اش با عنوان مقایسه عملکرد و سبک دلبستگی دانش آموزان دارای مشکلات انضباطی دوره متوسطه شهر تبریز در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۹۰، جامعه آماری خود را «کلیه دانش آموزان دوره متوسطه شهر تبریز به تعداد ۴۴۵۴۳ نفر» و نمونه انتخاب شده را ۳۹۵ نفر اعلام کرده، که براساس الگوی کرجسی و مورگان و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای از بین دبیرستان‌های این شهر انتخاب شده است. ایشان برای جمع آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده کرده و داده‌های به دست آمده را با توجه به آزمون‌های مختلف

۲. تحقیق با توجه به معیار وسعت سه دسته‌اند: ۱. تحقیقات در جامعه کلان: منظور تحقیقاتی است که جامعه وسیع را در برمی‌گیرد، نظیر مطالعاتی در باب جوامع فئودالی یا صنعتی. ۲. تحقیقات در جامعه میانه: منظور تحقیقاتی است که بر روی گروه‌های بزرگ صورت می‌گیرد، نظیر احزاب و سندیکاها. ۳. تحقیقات در جامعه خرد: این نوع مطالعات نیز بر روی گروه‌های کوچک و مناسبات بین افراد متمرکزند، ماهیت خاص را دارا هستند از آن جمله: امکان آزمایش به معنای دقیق کلمه را بدست می‌دهند و کنترل متغیرها در آنان با سادگی بیشتری صورت می‌گیرد.

آماري تحليل کرده است. (سپهری، ۱۳۹۰: ص. ۱۰۴-۱۱۳) در همه مقالات و پایان نامه‌های میدانی حوزه علوم اجتماعی و علوم تربیتی، می‌توان جامعه آماری، نمونه آماری، روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات و روش تجزیه و تحلیل آماری را دید.

۳. بررسی روش کشف سیره عقلا در منابع فقه و اصول

پس از بیان ویژگی‌های سیره عقلا و روش‌های نوین تحقیق و چگونگی کشف نظر گروه یا جمعیت مورد نظر از طریق جامعه و نمونه آماری و با استفاده از پرسشنامه و ... و تحلیل آن‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای آماری، باید گفت که استناد به سیره عقلا در منابع فقهی و اصولی مستلزم اینست که ابتدا آنرا بدرستی و بطور دقیق و مستند کشف نموده، سپس با توجه به حجیت آن، در استدلال‌های فقهی و اصولی از آن بهره جست.

بنظر این مقاله، در حال حاضر بهترین روش برای کشف نظر و چگونگی عملکرد گروهی از انسان‌ها و در مقیاس بزرگتر کل انسان‌ها، همان پرسش‌نامه (در جوامع کوچکتر مصاحبه یا مشاهده علمی) است که با اصول و ویژگی‌هایی که در منابع مرتبط گفته می‌شود، اجرا می‌گردد. زیرا اولاً سیره عقلا در اینگونه استدلال‌ها صغرای قیاس است و صغرا حتماً باید یقینی باشد. ثانياً اعلام اینکه بر مبنای فلان نظرسنجی، عقلای فلان استان یا کشور؛ یا عقلای کل عالم فلان نظر را دارند و یا فلان جور عمل می‌کنند، مثلاً حیازت در مباحثات را دلیل ملکیت می‌دانند، قابل اعتمادتر و قابل راستی‌آزمایی‌تر است از اینکه بدون چنین روش‌هایی اعلام شود که سیره و نظر عقلا چنین و چنان است.

به زبانی دیگر، مثلاً در اوایل این مقاله فهرست بیش از سی مورد از استنادات به سیره عقلا در فقه و اصول ارائه شد. با بررسی منابع مذکور، معلوم می‌شود که در هیچکدام از آن موارد استنادی، چگونگی کشف سیره عقلا از سوی هیچ عالمی بیان نشده است. به بیان سوم، مگر می‌توان به این سادگی در ده‌ها مورد ادعا کرد که همه عقلا عالم در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها، از بدو پیدایش تمدن بشری چنین و چنان رفتار می‌کردند؟ در حالیکه حتی از تعدادی (مثلاً بیست یا سی نفر از صد یا دویست شهر و روستا) هم پرس و جو و تحقیق بعمل نیامده باشد؟

تذکره مهم: باید این تذکر را مجدداً تکرار کرد که منظور این جملات، اینست که با روشی قابل اعتمادتر و قابل راستی‌آزمایی‌تر، سیره‌ای را به عقلای عالم نسبت دهیم، نه اینکه این مقاله موارد و مصادیق اعلام شده سیره عقلا را تکذیب یا تخطئه کند.

اکنون نوبت آنست که برای توضیحات بیشتر، بخش دیگری از کتب فقهی و اصولی که در آنها به سیره عقلا استناد شده است، بررسی شود که علمای فقه و اصول حین استناد به سیره عقلا، آیا طریقه کشف آنرا ذکر کرده‌اند؟ برای مثال چند نمونه بیان می‌شود:

۳-۱. در مبحث حجیت ظواهر، آقای موسوی بجنوردی به سیره عقلا استناد فرموده است (موسوی بجنوردی، بی تا، ص ۸۶؛ و نیز همان، ۱۳۷۷: جلد ۲، ص ۸۱) اما در هیچ جای این دو کتاب اشاره نکرده است که کشف سیره عقلا از راه مصاحبه، پرسشنامه و یا از روش دیگری بوده و یا در کشف سیره عقلا با کدام جامعه آماری و نمونه آماری سرو کار داشته‌اند.

۲-۳. مهم‌ترین و قوی‌ترین دلیل بر حجیت خبر واحد از سوی مرحوم نائینی (نائینی، پیشین، جلد ۳، ص ۱۹۴) و شیخ انصاری (انصاری، پیشین، جلد ۱، ص ۳۴۵) و مرحوم آخوند خراسانی (خراسانی، پیشین، ص ۳۰۳) و مرحوم مظفر (مظفر، پیشین، جلد ۲، ص ۹۳) شهید صدر (صدر، ۱۴۰۵، جلد ۴، ص ۳۴۴-۳۴۰؛ همان، ۱۴۰۰، جلد ۱، ص ۱۰۹) و محمدسعید حکیم (حکیم، پیشین، جلد ۳، ص ۲۱۸-۲۹۸) امام خمینی (ره) (امام خمینی، ۱۳۸۲، جلد ۲، ص ۱۶۸) و مکارم شیرازی (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، جلد ۲، ص ۴۲۹-۴۲۷) بنای عقلاء معرفی شده است. اما هیچیک از این علمای بزرگوار نه از جامعه آماری خود نام برده و نه چگونگی رجوع به عقلا و کشف نظر آنها ذکری به میان آورده‌اند.

۳-۳. امام خمینی (ره) در مبحث حیات مباحات نیز به سیره عقلا استدلال کرده و می‌فرماید: سیره مسلم از آغاز تمدن بشری این بوده که ملکیت از طریق احیا و حیات صورت می‌گیرد و هیچ یک از انبیاء، اولیاء و مؤمنان آن را انکار نکرده‌اند. (امام خمینی، ۱۴۲۱، جلد ۳، ص ۲۸) امام راحل (ره) در مورد عقلایی بودن قاعده اتلاف نیز می‌فرماید: قاعده اتلاف با محدوده گسترده‌تری از عنوان اتلاف، امری است عقلایی، بنابراین اگر شخصی مال دیگری را از بین ببرد یا مصرف کننده معیوب سازد یا آن را برای مالک به صورت غیر قابل استفاده درآورد، اگرچه اصل مال را از بین نرفته است، مانند اینکه مال را در اختیار غاصب قرار دهد یا پرنده‌ای را از قفس آزاد کند، از نظر عقلاء چنین شخصی ضامن است. (همان، ۱۴۱۷، جلد ۲، ص ۳۴۱) سیره عقلا در مورد مالی که تلف شده، اینست که شخص عوض یا خسارتی را که بر مال وارد کرده است را می‌پردازد. امام خمینی (ره) دلالت سیره عقلا بر حیات مباحات و قاعده اتلاف را پذیرفته، ولی در هیچیک از این کتب خود، اشاره نکرده که در این مباحث چگونه نظر عقلاء را کشف کرده و با کدام جامعه آماری و نمونه آماری سروکار داشته‌است.

نکته جالب اینست که امام راحل (ره) پس از تشکیل حکومت، این سیره عقلا در حیات مباحات را حداقل در برخی موارد مثل انفال و ... پذیرفته و در نامه‌ای با لحن انکاری به آقای قدیری فرموده: «بنا بر نوشته جنابعالی ... امروز هم شیعیان می‌توانند بدون هیچ مانعی با ماشین‌های کذابی جنگل‌ها را از بین ببرند و آنچه را که باعث حفظ و سلامت محیط زیست است را نابود کنند و جان میلیون‌ها انسان را به خطر بیندازند و هیچ کس هم حق نداشته باشد مانع آن‌ها باشد ... و بالجمله آنگونه که جنابعالی از اخبار و روایات برداشت دارید، تمدن جدید بکلی

باید از بین برود.» (همان، ۱۳۶۷، ج ۲۱، ص ۱۵۰) امروزه اصطلاحات «کوه‌خواری، دریاخواری، جنگل‌خواری و ...» دقیقاً برای تعقیب حقوقی افرادی برسرزبان‌ها افتاده که مثلاً دارند حیازت مباحات و احیا موات می‌کنند.

۳-۴. مرحوم شیخ انصاری مکرر به سیره عقلا استناد کرده و از جمله در مورد صحت بیع بدون صیغه می‌فرماید: شکی نیست که سیره جاری بین مسلمین، بلکه سیره جاری بین عقلای عالم دلالت بر صحت معاطات دارد و بر آن آثار عقد، مانند ملکیت، لزوم، جاری می‌شود و شارع مقدس از این سیره ردع نکرده، این عدم ردع دلالت بر حجیت شرعی آن دارد. (مصطفوی، ۱۴۲۳، ص ۲۵) شیخ انصاری در مبحث حجیت بیع معاطات نیز به سیره عقلا استناد کرده، ولی روش کشف نظر عقلای عالم را بیان نکردند و اسمی از نظرسنجی، پرسشنامه و مصاحبه ذکر نکرده است.

۳-۵. آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و امام خمینی (ره) در ادله‌ی جواز تقلید و حجیت قول فقیه برای عامه مردم، به سیره عقلا استناد کرده‌اند و بر این نظر هستند که همه عقلای عالم، از تمام اقوام و نژادها و پیروان همه ادیان و مذاهب، به طور فطری و عقلانی مراجعه جاهل به عالم و تقلید از او را می‌پذیرند و این مسأله قابل انکار نیست. همچنین امام خمینی (ره) در مسئله رجوع عالم به جاهل، آنرا از باب طریقت و کاشف از واقع تحلیل کرده، بر این باور است که عقلا قول عالم را غالباً مطابق با واقع دانسته و به ندرت با آن مخالفت کرده‌اند و این همان علم عادی است که سیره‌های عقلاییه نوعاً بدان تکیه می‌زنند. (خراسانی، پیشین، ص ۴۷۲؛ امام خمینی، ۱۴۲۶، جلد ۱، ص ۶۳ و ۸۳) در این مسئله امام خمینی (ره) و مرحوم آخوند خراسانی به سیره عقلا استناد کرده‌اند، ولی هیچ کدام از این دو بزرگوار فرموده‌اند که از روش‌های نوین نظرسنجی مثل مصاحبه و پرسشنامه برای کشف سیره عقلا استفاده کردند و در کل چگونگی روش کشف سیره عقلا را بیان ننموده‌اند.

۳-۶. از ادله‌ای که بر اصل لزوم در معاملات به آن استدلال می‌شود، بنای عقلاء است که مورد امضاء شارع است، بدین صورت که روش عقلاء چنین است که اگر عهد، پیمان و عقدی ببندند باید به آن عمل کنند و یکی از طرفین به تنهایی حق فسخ آن را نخواهد داشت. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، جلد ۴، ص ۲۳۲؛ مشایخی، بی‌تا، ص ۱۶۸؛ خراسانی، ۱۴۰۶، ص ۵۹۵؛ النجفی الخوانساری، ۱۳۷۹، جلد ۲، ص ۱۱ و ۱۰ و ۶) در اینجا نیز علیرغم استناد به سیره عقلا هیچ اشاره‌ای به چگونگی طریقه کشف آن سیره نشده است.

۳-۷. آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی و آیت‌الله محمدحسن بجنوردی محکم‌ترین دلیل بر مشروعیت قاعده حجیت بینه را، سیره عقلایی جاری در تمام ملل و نحل دانسته‌اند. به این معنا که شهادت دو نفر غیر متهم به کذب نسبت به مشهودالبیه پذیرفته می‌شود و این سیره مورد تایید و امضاء شارع قرار گرفته است. (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۷، ص ۴۷۲؛ بجنوردی، پیشین، جلد ۳، ص ۲۱) در این مبحث نیز این دو بزرگوار اشاره‌ای به نظرسنجی و

استقراء نکرده و به طور کلی راه کشف سیره عقلا را بیان ننموده‌اند و ظن اقوی بر این است که از روش‌های نظرسنجی استفاده نکرده‌اند.

۳-۸. علمای بزرگوار نراقی در کتاب عوائدالایام و مراغی حسینی در کتاب عناوین‌الاصول، سیره عقلا را دلیل بر حجیت قاعده اقرار دانسته‌اند. به این معنا که عقلای عالم از هر قومی در هر زمانی بدون در نظر گرفتن سطح فرهنگ، تمدن، دین و مذهب فکری خود بر این عقیده‌اند که اقرار هر شخص عاقل قاصد مختاری بر زیان خودش نافذ و الزام‌آور است و اقرار او پذیرفته شده و مطابق آن بر اقرار کننده حکم صادر می‌شود. (نراقی، ۱۴۲۵، ص. ۱۷۱؛ مراغی حسینی، ۱۴۱۷، ص. ۳۳۰) در این دو کتاب نیز چگونگی روش کشف سیره عقلاء بیان نشده و همچنین اشاره‌ای به نظرسنجی از عقلای عالم نشده است.

پر واضح است که به دلیل گستردگی کتب و منابع فقهی و اصولی امکان بررسی همه منابع نیست و ظن اقوی بر اینست که مابقی آقایان فقهاء و علماء نیز در مورد چگونگی کشف سیره عقلا چیزی بیان نکرده‌اند. برای تکمیل بررسی مسأله مورد بحث، با تعدادی^۳ از علما و مراجع عالیقدر معاصر مکاتبه شد و نظر و روش آن حضرات در خصوص چگونگی کشف موارد سیره عقلا سوال شد. متن نامه ارسالی به دفتر مراجع عالیقدر بدین شرح است:

بسمه تعالی

حضرت آیت الله العظمی...

سلام علیکم احتراماً همچنانکه مستحضرید علمای اسلام از صدها سال پیش در برخی استدلال‌های حوزه‌ی فقه و اصول به سیره عقلا استناد می‌فرمایند، از جمله: «۱. رجوع به خبر ثقه ۲. قاعده لزوم در معاملات ۳. در قاعده اقرار» بخاطر یک تحقیق دانشگاهی خواهشمندم در صورت امکان به دو سوال زیر پاسخ دهید:

۱. حضرت تعالی شخصاً در کشف سیره عقلا چگونه و با چه وسیله‌ای اقدام می‌فرمایید؟ به چه تعداد از افراد جامعه مراجعه می‌فرمایید؟ آیا از روش‌های نظرسنجی و مصاحبه استفاده می‌فرمایید؟
۲. به نظر حضرت تعالی سایر علمای محترم چگونه و با چه روشی سیره عقلا را کشف کرده و بدان دست پیدا می‌کنند؟

۳. با حدود ۱۵ تن از مراجع عالیقدر قم مکاتبه شد که تعدادی از آن حضرات به سوال ارسالی پاسخ ندادند و پیگیری‌های مکرر هم سودی برای اخذ پاسخ نداشت. هر چند که برخی از ایشان مثل آیه الله مکارم شیرازی (دامت افاضاته) با کمال بزرگواری به نامه‌های دوم نیز پاسخ دادند. از مراجع محترمی که با ارسال پاسخ، این مقاله را یاری فرمودند، متواضعانه قدردانی و سپاسگزاری می‌شود.

۳-۹. دفتر آیت‌الله مکارم شیرازی این پاسخ را به ایمیل فرستادند:

«۱. راه کشف سیره عقلا، رجوع به موازین متعارف در میان مردم است. ۲- نظر هر شخص، باید از خودش سوال شود ولی ظاهراً مبنای آنها نیز همین است که در بالا ذکر شد.» بعد از پاسخ معظم له نامه دوم باین مضمون بمحضرشان ارسال شد: «شما شخصاً در کشف سیره چگونه و با چه وسیله‌ای به موازین متعارف میان مردم مراجعه می‌فرمایید؟ و به چه تعداد از افراد جامعه مراجعه می‌فرمایید؟ و آیا از روشهای نظرسنجی و مصاحبه استفاده می‌فرمایید؟» پاسخ دوم ایشان چنین بود: «سیره عقلا از طریق معاشرت و زندگی با مردم قابل کشف است.» ایشان راه کشف سیره را رجوع به موازین متعارف میان مردم دانسته‌اند ولی چگونگی رجوع به موازین متعارف را بیان نکرده و بطور تلویحی فرموده‌اند که با جامعه و نمونه آماری سروکار ندارند.

۳-۱۰. پاسخ دفتر آیت‌الله العظمی شبیری زنجانی بدین شرح است: «کشف سیره و موازین آن، نیازمند سالها تلاش علمی متمادی است و نمی‌توان در این مجال به آن پرداخت.» این مرجع عالیقدر نیز کشف سیره عقلا را نیازمند سالها تلاش علمی متمادی می‌دانند ولی چگونگی تلاش علمی متمادی را بیان نکرده و اشاره‌ای به نظرسنجی، استقراء و کشف نظر از جامعه آماری ندارند.

۳-۱۱. پاسخ دفتر آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی چنین است: «آنچه در مورد سیره عقلا بما هم عقلاء است جلی و ظاهر است و در میان اقوام و ملل در طول اعصار و در امصار متداول و رایج است و نیاز به استقراء و نظرسنجی از آحاد جامعه نمی‌باشد.» این مرجع عالیقدر سیره عقلا را ظاهر و آشکار در جامعه دانسته، برای کشف آن به طور صریح استقراء و نظرسنجی را لازم نمی‌داند.

۳-۱۲. پاسخ دفتر آیت‌الله العظمی محمدتقی بهجت (ره) بدین شرح است: «ملاک، حصول علم به آن است و گرنه اعتبار ندارد.» دفتر این عارف واصل و مرجع عالیقدر، راه کشف سیره عقلا را حصول علم به آن دانسته ولی چگونگی ملاک حصول علم به آن را ذکر نکرده‌اند.

۳-۱۳. پاسخ آیت‌الله محمدجواد فاضل‌لنکرانی بدین شرح است: «سیره عقلا در همه موارد و یا در غالب موارد یک امر واضح و آشکار و رائج بین آنان است به عبارت دیگر نیاز به کشف و استکشاف ندارد، چون از اموری است که هم واضح است و هم رائج است، آری در اینکه آیا عقلاء بما هم عقلاء دارای آن سیره هستند نیاز به دقت و تأمل است. فقیه به عنوان یکی از عقلاء می‌تواند با تأمل به خوبی درک کند که آیا این عنوان محقق است یا خیر؟ توجه به این نکته لازم است که در برخی موارد سیره عقلاء مبتنی بر ارتکاز است که هرکس با مراجعه به وجدان خویش می‌تواند این ارتکاز را درک کند در مباحث خارج اصول نسبت به سیره عقلاء نکاتی را ذکر نموده‌ایم که با مراجعه به دروس موجود در سایت می‌توانید ملاحظه فرمائید.» پاسخ مشروح این مرجع عالیقدر نکته‌های زیادی از بحث مقاله را روشن می‌سازد. خوشبختانه ایشان راه کشف سیره را قدری واضح‌تر بیان کرده

ولی سوال اینست که چگونه می‌توان به این «امر واضح و آشکار و رائج بین آنان» دست یافت؟ ایشان برای مطالعه بیشتر، ما را به مباحث دروس خارج خود ارجاع دادند. نتیجه رجوع به مباحث خارج فقه ایشان باختصار بیان می‌شود:

۱-۱۳-۳. در موضوعات مستنبطه عرفیه باید به عرف مراجعه کرد ... منافاتی ندارد که فقیه به عنوان أحد من العرف بیاید قول عرف خاص و متخصصین را برای ما بیان کند. (لنکرانی، محمدجواد، درس خارج از فقه، کتاب البیع - براساس تحریر الوسیله ۲، ۱۳۹۳/۱۱/۲۳).

۲-۱۳-۳. آیا اجازه در معامله فضولی در سیره عقلاء بر نقل است یا کشف؟ ... اگر یک معامله فضولی واقع شود و بعد مالک اجازه داد، نمی‌توان گفت که عقلا در اینجا سیره‌ای ندارند و حتماً یک سیره‌ای هست، اگر ما به عقلا مراجعه کنیم، یا به طور دقیق‌تر به ارتکاز عقلایی خودمان مراجعه کنیم تا ببینیم در مرتکز عقلایی خودمان اگر یک عقدی خوانده شود بعد از یکی دو ماه مالک آن عقد را اجازه داد آیا ترتیب آثار و تأثیر این عقد از حین العقد است یا از حین الاجاره؟ ارتکاز عقلاییه می‌گوید از حین العقد است... بحث تمسک به سیره عقلاء امروز یکی از بحث‌های مهم در اجتهاد است و بعضی از امور جدید، مخصوصاً مسائل مستحدثه نیاز به بحث فراوان دارد. (همان، درس بیع - بیع فضولی، جلسه ۱۱۳، تاریخ مراجعه ۹۷/۶/۲۵)

۳-۱۳-۳. نکته‌ای که در ارتکاز عقلاء وجود دارد این است که در این ارتکاز بین دولت‌ها فرقی وجود ندارد، ارتکاز عقلاء بر این است که حیازت مملک است. این دولت و آن دولت، آن کشور و این کشور فرقی در این وجود ندارد. (همان، درس شرائط متعاقدين، جلسه ۲۲، تاریخ مراجعه ۹۷/۶/۲۵)

۴-۱۳-۳. عقلا به اعتقادات سایر ملل و سایر فرق احترام می‌گذارند و آن‌ها را در حق همان ملل و هم در مورد خودشان محترم می‌شمارند ... ملاک و مبنای قاعده الزام، این سیره عقلاییه است که ناشی از یک ارتکاز عقلایی است و آن این که قانون هر قومی برای همان قوم و برای کسانی که در همان دایره قرار می‌گیرند، نافذ است. ما می‌توانیم به سیره یا ارتکاز عقلاء تمسک کنیم. (همان، درس خارج قواعد فقه، قاعده الزام، جلسه ۸۶/۰۶/۲۳ تاریخ مراجعه ۹۷/۶/۲۵)

نکته مهم در هر چهار مبحث فوق اینست که ایشان ارتکازات عقلی خود فقیه را، راه کشف سیره عقلاء دانسته‌اند. حال این سوال مطرح می‌شود که آیا بهتر نیست برای کشف مطمئن‌تر این ارتکاز عقلایی همه عقلای عالم آنهم در همه زمانها و مکانها، فقط به ارتکازات عقلی یک نفر بسنده نکرد و از چند نفر دیگر نیز سوال شود تا از سوی دیگران مورد خدشه واقع نشود و بتوان با روشی قابل اعتمادتر و قابل راستی‌آزمایی‌تر، سیره‌ای را به عقلای عالم نسبت داد.

از مجموع بررسی و پاسخ‌های مراجع عالیقدر چنین برمی‌آید که هیچ کدام از فقها و اصولیان، از روش‌های نوین تحقیق مثل مصاحبه، پرسشنامه و نظرسنجی از آحاد جامعه، برای کشف سیره عقلا استفاده نکرده‌اند در نهایت می‌توان گفت روش فقهای بزرگوار در کشف سیره عقلا در آثار خود، با روش محققان امروز در تحقیقات نوین همخوانی ندارد.

۴. آسیب شناسی کشف نادرست سیره عقلا

در تحقیقات و پژوهش‌هایی که امروزه در حوزه علوم اجتماعی و علوم تربیتی در باره کشف نظر و طریقه عملکرد گروه‌هایی از افراد انجام می‌شود، محققان قبل از هرچیز رویکرد تحقیق را مشخص کرده و سعی می‌کنند که فرضیه‌های تحقیق را با استفاده از روش کتابخانه‌ای تبیین کنند و روش‌های متناسب برای جمع‌آوری داده‌ها در پیش می‌گیرند. در این مطالعات و تحقیقات، با توجه به معیار وسعت پژوهش، جامعه آماری مورد نظر انتخاب شده و محقق این جامعه آماری را به خوبی تعریف کرده و حدود و مشخصات آن را تعیین می‌کند. در بیشتر موارد در تحقیقات با جامعه آماری بالا و وسیع که نظرسنجی و پرسش از تک تک افراد جامعه آماری عملاً ممکن نیست، راه حل مناسب آن، نمونه‌گیری است که اهمیت این نمونه‌گیری از این لحاظ است که باید از قسمت‌های مختلف جامعه آماری، افرادی با روش‌های تعیین شده انتخاب شوند و اگر این نمونه‌گیری به روش صحیح و علمی انجام نشود، ویژگی جامعه اصلی را در بر ندارد. در این مراحل ممکن است نظر ذهنی محقق بر نتایج حاصل از این مطالعات تأثیر گذارد و منجر به نظرسازی شود، پس از انجام این مراحل محققان با ابرازهای خاص اندازه‌گیری مانند مشاهده، مصاحبه و پرسشنامه به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته و در نهایت به تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها می‌پردازند. با این توضیحات اگر فردی بخواهد نظر عده‌ای از انسان‌ها از جمله عقلا را به دست بیاورد، اگر این نظرسنجی را ناقص انجام داده یا براساس روش درست کشف نکند، اول اینکه نظرسازی کرده و دوم اینکه برداشت‌های شخصی خود را در آن دخالت می‌دهد، این دو عامل در نتیجه نهایی تأثیر نادرست گذاشته و چه بسا منجر به کشف نظر نادرست و غلط شود. بنابراین اگر کسی بخواهد به نظر عقلا استناد کند، باید آن را درست کشف کند وگرنه ممکن است نظرسازی کرده و به جای نتیجه درست، فرافکنی کند و تشخیص نظر درست مشکل شود. شاید علت اینکه در برخی مباحث مثل «صحیح و اعم» در علم اصول، هر دو دسته از علما به تبادر تمسک کرده‌اند (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: صص. ۲۹-۳۰) یا در مبحث «مشتق» در علم اصول، آخوند خراسانی تمسک علمای طیف مقابل به تبادر را بعید دانسته و در همان صفحه خودش برای اثبات نظر خود به تبادر تمسک می‌کند (همان، ص ۴۷) همین باشد که علمای هردو گروه در کشف نظر و سیره عقلا فقط به مرتکبات عقلی خود (و تعدادی از موافقین و اطرافیان خود) رجوع کرده و آن را به عموم نسبت داده و با توزیع پرسش‌نامه‌ها از بقیه

سوال نکرده‌اند. در حالی که می‌توان با روش پیشنهادی این مقاله (که روش محققان امروزیست) با اطمینان بیشتر و نزدیکتر به واقع نظر عقلا را در مباحثی مثل «صحيح و اعم»، «مشتق» و ... کشف کرد.

نتیجه گیری

در بررسی برخی از کتبی که در آن به سیره عقلا استناد شده، این نتیجه حاصل شد که فقهای قدیم و حتی علماء و مراجع معاصر در جاهایی که به آن استناد کرده‌اند، آن را واضح و آشکار دانسته و گاهی به مرتکبات عقلی خود رجوع کرده‌اند و از روش‌های نوین نظرسنجی و استقراء مانند پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده علمی استفاده ننموده‌اند.

پیشنهاد

پیشنهاد می‌شود اساتیدی که به سیره عقلا استناد می‌کنند، برای کشف آن، از یکی از روشهای اطمینان‌بخش پژوهش‌های امروزی مانند مشاهده علمی، مصاحبه و پرسشنامه استفاده کنند تا با روشی قابل اعتمادتر و قابل راستی‌آزمایی‌تر، سیره‌ای را به عقلا عالم نسبت دهند. در کشف سیره متشرعه و عرف هم که به وحدت ملاک، روش کشف آن‌ها نیز مانند روش کشف سیره عقلاست، چنین شود.

می‌توان تمامی مواردی را که در آن‌ها به سیره عقلا استناد شده، با روش پیشنهادی این مقاله مورد راستی‌آزمایی قرار داد تا در صورت امکان، از رهاورد جدید شیوه‌های تحقیق، بر غنای تحقیق حوزه فقهات افزوده شده و شاید برخی شیوه‌ها اصلاح گردد. همچنین ممکن است از خطای احتمالی ناشی از استفاده از روش‌های قدیمی در کشف سیره عقلا کاسته شود و شاید برخی اختلافات در مباحثی مثل «صحيح و اعم»، «مشتق» و ... حل شود.

منابع

الف) منابع فارسی

اسلامی، رضا (۱۳۸۷ش)، قواعد کلی استنباط، ۳ جلدی، چاپ پنجم، قم: موسسه بوستان کتاب.
 اصغری، عبدالله (۱۳۸۶ش)، أصول الفقه (شرح فارسی اصول الفقه مظفر)، قم. (اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان)
 امین فرد، محمد (۱۳۸۴ش)، روش تحقیق، تبریز، انتشارات شایسته.
 جعفری لنگرودی؛ محمدجعفر (۱۳۸۸ش)، دانشنامه حقوقی، تهران: انتشارات گنج دانش.
 جمعی از محققین (۱۳۸۸ش)، فرهنگ‌نامه اصول فقه، قم: تهیه و تدوین مرکز اطلاعات مدارک اسلام حوزه علمیه قم.
 جمعی از نویسندگان (۱۳۷۴ش)، مجموعه آثار کنگره بررسی مبانی فقهی امام خمینی (ره)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

جناتی، محمدابراهیم (۱۳۷۰ش)، منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، تهران: کیهان.

خمینی (امام)، روح الله (۱۳۶۷)، صحیفه امام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

س.ک. موزر/ج. کالتون (۱۳۷۴ش)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، مترجم ایزدی، کاظم؛ تهران: انتشارات کیهان.

- ساروخانی، باقر (۱۳۸۵ش)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صبری، نورمحمد (۱۳۸۸ش)، درآمدی بر روش تحقیق در حقوق، تهران: انتشارات میزان.
- علی احمدی، علیرضا؛ نهایی، سعید، وحید (۱۳۸۷ش)، توصیفی جامع از روش‌های تحقیق، تهران: انتشارات تولید دانش.
- علیدوست، ابوالقاسم، (۱۳۸۴ش)، فقه و عرف، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- عمید، حسن (۱۳۸۹ش)، فرهنگ مفصل عمید، تهران: انتشارات زرین.
- فیض، علیرضا (۱۳۷۹ش)، مبادی فقه و اصول، چاپ ششم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- لطفی، اسدالله (۱۳۸۵ش)، قواعد فقه مدنی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
-؛ (۱۳۹۱ش)، مبانی استنباط حقوق اسلامی، تهران: جنگل جاودانه.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۷ش)، قواعد فقه بخش مدنی (۱)، چاپ هفتم، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- محمدی، علی (۱۳۸۵ش)، شرح کفایة الأصول، چاپ چهارم، قم، دارالفکر.
- مشایخی، قدرت‌الله (۱۳۹۳ش)، قاعده‌های فقهی، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین (سمت).
- مصطفوی، محمد کاظم (۱۴۲۳ق)، فقه المعاملات، یک جلدی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- معین، محمد (۱۳۸۶ش)، فرهنگ فارسی یک جلدی، تهران: انتشارات میلاد.
- ملکی اصفهانی، مجتبی (۱۳۹۰ش)، فرهنگ اصطلاحات علم اصول، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- مهیزی، مهدی (۱۳۷۶ش)، کتابشناسی اصول فقه شیعه، قم: مرکز انتشارات حوزه علمیه دفتر تبلیغات اسلامی.
- موسوی بجنوردی، محمدحسن (۱۳۷۷ش)، قواعد فقهیه، چاپ سوم، تهران: نشر الهادی.
- نیک‌خلق، علی‌اکبر، کامران، فریدون؛ (۱۳۸۴ش)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: استادیار (وابسته به موسسه تحقیقاتی دانشیار).
- ولایی، عیسی (۱۳۸۷ش)، فرهنگ تشریحی اصطلاحات علم اصول، تهران، نشر نی.
- ب) منابع عربی
- آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۹ق)، کفایة الاصول، قم: نشر موسسه آل بیت.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، ۱۵ جلدی، چاپ سوم، لبنان-بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر التوزیع - دارصادر.
- أبو زهره، محمد (۲۰۱۵م)، اصول الفقه، ۱ جلدی، قم: ناشر دارالفکر العربی، نرم افزار مکتبه الشامله.
- أحمد الزرقا، مصطفی (۲۰۱۵م)، المدخل الفقهي، ۲ جلدی، بی‌جا.
- آشتیانی، محمدحسن (۱۳۱۹ق)، بحر الفوائد فی شرح الفوائد، بیروت: موسسه التاريخ العربی.
- الاصفهانی، محمدحسین (کمپانی) (۱۴۱۹ق)، حاشیه المکاسب، قم: دار المصطفی (ص) لإحياء التراث، کتابخانه فقاها.
- امام خمینی، روح‌الله، (ربیع الاول ۱۳۸۵)، الرسائل، قم: ناشر اسماعیلیان، نرم افزار فقه اهل بیت.
-؛ (۱۴۲۱ق)، کتاب‌البیع، ۵ جلدی، چاپ اول، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
-؛ (۱۴۲۶ق)، اجتهاد و تقلید، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
-؛ (۱۳۸۲ش)، تهذیب الاصول، قم: ناشر اسماعیلیان.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۹ق)، فرائد الاصول، قم: مجمع الفکر اسلامی.

- بجنوردی (موسوی بجنوردی)، حسن (۱۴۱۹ق)، القواعد الفقهیه، ۷ جلدی، قم: نشر الهادی.
-؛ (بی تا)، منتهی الاصول، چاپ دوم، قم: منشورات مکتبه بصیرتی، کتابخانه فقاها.
- بروجردی، محمدتقی (بی تا)، نهاییه الافکار، (تقریرات درسی آقا ضیاء الدین عراقی)، قم: انتشارات وابسته به جامعه مدرسین، کتابخانه فقاها.
- بهبهانی، محمد باقرین محمد (۱۴۱۵ق)، اکمل الفوائد الحائریه، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- حائری اصفهانی، محمدحسین (۱۴۰۴ ق)، الفصول الغرویة فی الأصول الفقهیة، قم، دار إحياء العلوم الإسلامية.
- الحکیم، محمد سعید (۱۴۱۴ق)، المحکم فی أصول الفقه، قم: المنار.
- حکیم، عبدالصاحب (۱۴۱۳ق)، منتقی الاصول، (تقریرات درس آیه الله محمد حسینی روحانی)، بی جا، انتشارات امیر، کتابخانه فقاها.
- حکیم، محمد تقی (۱۴۱۸ق)، الأصول العامه فی فقه المقارن، قم: ناشر مجمع جهانی اهل بیت (ع).
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۵ق)، الملازمة بین حکمی العقل و الشرع عند الشیخ الانصاری، قم: بی جا.
- صدر (شهید)، محمد باقر (۱۴۰۰ق)، دروس فی علم الاصول، قم: موسسه النشراسلامی.
-؛ (بی تا)، المعالم الجدید، تهران: مکتبه النجاح.
-؛ (بی تا)، بحوث فی علم الاصول، جلد ۴، قم، دائره المعارف اسلامی.
- طباطبایی حکیم، سید محسن (۱۴۱۶ق)، مستمسک العروه والثقی، ۱۴ جلدی، قم: موسسه دار التفسیر.
- طوسی (شیخ)، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق)، عده الاصول، قم: مؤسسه آل البيت (ع) للطباعة والنشر
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴)، تذکره الفقها، ۱۷ جلدی، قم؛ موسسه آل البيت (ع).
- علی البحرانی، حیدر، محمدصنقر علی (۱۴۲۶ق)، المعجم الاصولی، قم: منشورات نقش، کتابخانه فقاها.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۳ش)، القواعد الفقهیه، قم، مرکز نشر ائمه اطهار، نرم افزار فقه اهل بیت.
- فیومی، احمد (بی تا)، المصباح المنیر، قم: دارالرضی.
- الکاظمی خراسانی، محمدعلی (بی تا)، فوائد الاصول (تقریرات درس محمدحسین نایینی)، قم: موسسه النشر الاسلامی، کتابخانه فقاها.
- محمصانی، صبحی رجب (بی تا)، فلسفه التشریع فی الاسلام، بیروت: دار للملايين، کتابخانه فقاها.
- مراغی، میر عبد الفتاح (۱۴۱۷ق)، العناوین الفقهیه، ۲ جلدی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۷۰ش)، اصول الفقه، چاپ چهارم، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
-؛ (بی تا)، المنطق، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- مغنیه، محمد جواد (بی تا)، علم اصول الفقه فی ثوبه الجدید، بیروت: دارالعلم للملايين.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷ش)، القواعد الفقهیه، چاپ سوم، قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع)، کتابخانه فقاها.
-؛ (۱۳۸۲ش)، انوار الاصول، قم: ناشر مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
- میرازی قمی، ابوالقاسم بن محمد؛ قوانین الاصول، ۱۳۷۸ش، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- نایینی، محمدحسین (۱۴۰۴ق)، فوائد الاصول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- النجفی الخوانساری، موسی بن محمد (۱۳۷۹ش)، منیه الطالب فی شرح المکاسب (تقریرات المحقق المیرزا النائینی)، قم: موسسه - النشر الاسلامی.

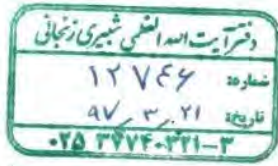
- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۲۵ق)، *عوائد الایام*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- هاشمی، محمود (۱۴۰۵ق)، *بحوث فی علم الاصول*، (تقریرات درس شهید محمدباقر صدر)، قم: نرم افزار فقه اهل البیت.
- ج) مقاله‌ها
- اسدی، حسن (زمستان ۱۳۸۴)، «بناء عقلاء و جایگاه آن در ادله احکام»، *مجله تخصصی فقه و مبانی حقوق*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، فصلنامه، شماره ۴، سال دوم.
- جهانخواه، علی (زمستان ۱۳۹۰)، «جایگاه بنای عقلا در فقه شیعه» *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، شماره هفدهم.
- علی احمدی، علیرضا؛ غفاریان، وفا (تابستان و پاییز ۱۳۸۲ش)، «اصول شناخت و روش تحقیق» *علمی-پژوهشی (وزارت علوم ۲۶)*، شماره ۴۶ و ۴۷.
- علوی، محمدتقی (۱۳۸۳ش)، «عرف و عادت در حقوق اسلام و ایران» *تبریز: دانشگاه تبریز*.
- د) پایان نامه
- سیهری، آسیه (۱۳۹۰ش)، «مقایسه عملکرد و سبک دلبستگی دانش آموزان دارای مشکلات انضباطی دروه ی متوسطه شهر تبریز در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۹۰»، استاد راهنما: دکتر جواد مصرآبادی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان.
- ه) پایگاه اینترنتی

<http://fazellankarani.com/persian> پایگاه اینترنتی آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی

و) دفاتر مراجع

- دفتر مرجع تقلید آیت الله العظمی محمدتقی بهجت.
- دفتر مرجع تقلید آیت الله شبیری زنجانی.
- دفتر مرجع تقلید آیت الله العظمی صافی گلپایگانی.
- دفتر مرجع تقلید حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی.
- دفتر مرجع تقلید حضرت آیت الله العظمی محمدجواد لنکرانی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



بسمه تعالی

حضرت آیت الله العظمی سید موسی شبیری زنجانی

سلام علیکم احتراماً

همچنانکه مستحضرید علمای اسلام از صدها سال پیش در برخی استدلالهای حوزه ی فقه و اصول به سیره عقلاء استناد می فرمایند از جمله:

1. رجوع به خبر ثقه

2. قاعده لزوم در معاملات

3. در قاعده اقرار

بخاطر یک تحقیق دانشگاهی خواهشمندم در صورت امکان به دو سوال زیر پاسخ دهید.

1. حضرت تعالی شخصاً در کشف سیره عقلاء چگونه و با چه وسیله‌ای به موازین متعارف مراجعه میفرمایید؟ و به تعداد از افراد جامعه مراجعه میفرمایید؟ و آیا از روشهای نظرسنجی و مصاحبه استفاده میفرمایید؟
2. به نظر حضرت تعالی سایر علمای محترم چگونه و با چه روشی سیره عقلاء را کشف کرده و بدان دست پیدا می کنند؟

باسمه تعالی

با احترام و تشکر
سمیه آقایی

کشف سیره و موازین و ضوابط آن، نیازمند سابلها تلاش علمی
متادى است و نى توان در این مجال به آن پرداخت.



6

بسمه تعالی

حضرت آیت الله العظمی محمدتقی بهجت

سلام علیکم احتراماً

همچنانکه مستحضرید علمای اسلام از صدها سال پیش در برخی استدلالهای حوزه ی فقه و اصول به سیره عقلاء استناد می فرمایند از جمله:

1. رجوع به خبر ثقه

2. قاعده لزوم در معاملات

3. در قاعده اقرار

بخاطر یک تحقیق دانشگاهی خواهشمندم در صورت امکان به دو سوال زیر پاسخ دهید.

1. حضرت تعالی شخصاً در کشف سیره عقلاء چگونه و با چه وسیله‌ای به موازین متعارف مراجعه میفرمایید؟ و به تعداد از افراد جامعه مراجعه میفرمایید؟ و آیا از روشهای نظرسنجی و مصاحبه استفاده میفرمایید؟
2. به نظر حضرت تعالی سایر علمای محترم چگونه و با چه روشی سیره عقلاء را کشف کرده و بدان دست پیدا می کنند؟

با احترام و تشکر

سهمیه آقایی

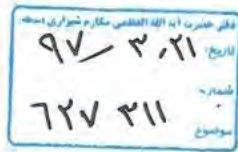


جواب: بسم الله الرحمن الرحيم، ملاک حصول علم به آن است

وگرنه اعتبار ندارد. انسان و مطالعات فقهی

مجلس علمیه خراسان
دفتر حضرت آیت الله العظمی محمدتقی بهجت

ورود به دفتر
شماره: ۱۱۵۹۲
تاریخ: ۱۳۹۷/۱۳/۲۱



بسمه تعالی

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی

سلام علیکم احتراماً

همچنانکه مستحضرید علمای اسلام از صدها سال پیش در برخی استدلالهای حوزه ی فقه و اصول به سیره عقلاء استناد می فرمایند از جمله:

1. رجوع به خبر ثقه

2. قاعده لزوم در معاملات

3. در قاعده اقرار

بخاطر یک تحقیق دانشگاهی خواشمنم در صورت امکان به دو سوال زیر پاسخ دهید.

1. حضرت تعالی شخصاً در کشف سیره عقلاء چگونه و با چه وسیله‌ای به موازین متعارف مراجعه میفرمایند؟ و به تعداد از افراد جامعه مراجعه میفرمایند؟ و آیا از روشهای نظرسنجی و مصاحبه استفاده میفرمایند؟
2. به نظر حضرت تعالی سایر علمای محترم چگونه و با چه روشی سیره عقلاء را کشف کرده و بدان دست پیدا می کنند؟

بسم تعالی باسلام
 پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 ج ۱. باید به مقداری مراجعه کرد که انسان الطیفان حاصل کند
 که آن سیره در جامعه حاکم است = همین
 ج ۲. قاعده تا آنها هم راه را می بیورند =
 همیشه موفق باشید
 ۹۷/۳
 2

با احترام و تشکر

سمیه آقایی



2





بسمه تعالی

حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی

سلام علیکم احتراماً

همچنانکه مستحضرید علمای اسلام از صدها سال پیش در برخی استدلالهای حوزه ی فقه و اصول به سیره عقلاء استناد می فرمایند از جمله:

1. رجوع به خبر ثقه

2. قاعده لزوم در معاملات

3. قاعده اقرار

بخاطر یک تحقیق دانشجویی خواشمنم در صورت امکان به دو سوال زیر پاسخ دهید.

1. حضرت تعالی شخصاً در کشف سیره عقلاء چگونه و با چه وسیله‌ای به موازین متعارف مراجعه میفرمایید؟ و به تعامل افراد جامعه مراجعه میفرمایید؟ آیا از روشهای نظریستی و مصاحبه استفاده میفرمایید؟
2. به نظر حضرت تعالی سایر علمای محترم چگونه و با چه روشی سیره عقلاء را کشف کرده و بدان دست پیدا می کنند؟

بر تعالی

با احترام و تشکر
سمیه آقایی

با سلام و تحیت سیره عقلاء در هر مورد و یا در غالب موارد یک امر واضح و آشکار در رنج بین آمان است به عبارت دیگر نیازی به کشف و استکشاف ندارد چون از اصولی است که هم واضح است و هم رنج است آری در اینکه آیا عقلاء با هم عقلاء در ای آن سیره هستند نیازی به دقت و تامل است فیه به عنوان یکی از عقلاء می تواند با تامل به خوبی درک کند که آیا این عنوان محقق است یا خیر؟ توجه به این نکته لازم است که در برخی موارد سیره عقلاء یعنی برار محاز است که هر کس با مراجعه به وجدان خویش می تواند این ار محاز را درک کند و مباحث خارج اصول نسبت به سیره عقلاء محذراتی را ذکر نموده ایم که با مراجعه به دوس موجود در بابت می توانید ملاحظه فرمایید موافق باشید



۱۳/۳/۱۳۸۸